پرسش ها و پاسخ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش — **نویسنده:** فرهاد گلستان — **تاریخ:** ۱۳۹۶/۳/۱۳

خطبه‌ی عقد جهت ازدواج دو نفر با یکدیگر به چه صورت خوانده می‌شود؟ لطفاً با استناد به دلیل و منبع توضیح فرمایید.

پاسخ — **تاریخ:** ۱۳۹۶/۳/۱۶

جای خرسندی است که دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی «عقلانیّت» و «یقین»، به کاهش روحیه‌ی «تقلید» و افزایش «دلیل‌گرایی» در میان مسلمانان انجامیده است، ولی امید می‌رود که این رویکرد به مطالبه‌ی دلیل و منبع از خود ایشان محدود نشود، بلکه مطالبه‌ی دلیل و منبع از سایر عالمان مسلمان را نیز در بر گیرد؛ با توجّه به اینکه دیده شده است کسانی در استفتاء از سایر عالمان مسلمان هیچ دلیل و منبعی مطالبه نمی‌کنند، بلکه هر فتوایی از آنان را بدون علم به دلیل و منبع آن می‌پذیرند، ولی هنگامی که به علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی می‌رسند به یاد دلیل و منبع می‌افتند و با حسّاسیّت و تأکید ویژه‌ای آن را مطالبه می‌کنند، در حالی که می‌دانند این مطالبه‌ی آنان -هر چند جهتدار و غیر محترمانه نباشد- ضرورتی ندارد؛ زیرا جایز نبودن پیروی از فتوای کسی بدون علم به دلیل و منبعش چیزی است که خود آن جناب به آنان آموخته است[1] و با این وصف، بدون مطالبه‌ی آنان نیز دلیل و منبع فتوای آن جناب در پایگاه‌شان منتشر می‌شود؛ همچنانکه تاکنون این گونه بوده و هیچ فتوایی از آن جناب بدون تبیین کامل دلایل و منابعشان از عقل و شرع منتشر نشده است. با این حال، مطالبه‌ی دلیل و منبع از عالمانی ضرورت دارد که غالباً بدون دلیل و منبع فتوا می‌دهند و ضروری‌تر از آن مطالبه‌ی دلیل و منبع از مدّعیانی است که بدون ارائه‌ی هیچ دلیل و منبع معتبری مدّعی ولایت مطلقه و اختیارات پیامبر هستند و از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی با وجود دعوتش به سوی خداوند و خلیفه‌ی او بر بنیاد دلایل و منابع معتبر، حمایت نمی‌کنند.

---

۱ . بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص۴۳.

اما ازدواج از اختراعات اسلام نیست، بل از عقود عقلایی است که اسلام آن‌ها را امضا کرده و درباره‌ی‌شان فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾[1]؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! به عقود وفا کنید» و آن‌ها عبارت از ایجاب و قبول دو طرف دارای اهلیّت برای ایجاد حق و تکلیفی عقلایی هستند که می‌توانند به صورت لفظی یا به صورت عملی انجام شوند. هر چند در عقد مهمّی مانند ازدواج که خداوند آن را ﴿مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾[2] نامیده، بایسته است که به صورت لفظی انجام شوند. بنابراین، «عقد ازدواج» آن است که زنی دارای اهلیّت، خود را با لفظی صریح و أحیاناً عوضی معلوم به ازدواج مردی دارای اهلیّت درآورد و او آن را با لفظی صریح بپذیرد یا بالعکس؛ به این ترتیب که مثلاً زن به مرد بگوید: «خودم را [در عوض مهر معلوم] به ازدواج تو درآوردم» و مرد به زن بگوید: «قبول کردم» یا مرد به زن بگوید: «تو را [در عوض مهر معلوم] به ازدواج خودم درآوردم» و زن به مرد بگوید: «قبول کردم» یا وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «موکّلم فلانی دختر فلانی را [در عوض مهر معلوم] به ازدواج موکّلت فلانی پسر فلانی درآوردم» و وکیل مرد به وکیل زن بگوید: «برای موکّلم فلانی پسر فلانی قبول کردم»، یا وکیل زن و مرد بگوید: «موکّلم فلانی دختر فلانی را [در عوض مهر معلوم] به ازدواج موکّلم فلانی پسر فلانی درآوردم»؛ با توجّه به اینکه یک نفر می‌تواند وکیل هر دو باشد و از طرف آن دو عقد را جاری کند، هر چند بهتر است که هر کدام وکیلی جداگانه داشته باشد تا ظاهر عقد به ایجاب و قبول یک نفر برای خودش شبیه نباشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلَ عَلَى الْمَنْصُورِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَقَالَ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةٍ، وَهِيَ عَارِفَةٌ، فَنُرِيدُ أَنْ تُزَوِّجَنَا، قَالَ: أَتَوَكَّلَانِنِي وَأَنَا رَجُلٌ وَاحِدٌ؟! قَالَ: أَلَا يَحْسُنُ ذَلِكَ؟ قَالَ: بَلَى، وَلَكِنَّ الْأَحْسَنَ أَنْ تُوَكِّلَا رَجُلَيْنِ لِيَتَعَاقَدَا، قَالَ: إِنَّمَا نَبْتَغِي بَرَكَةَ عَقْدِكَ، فَذَهَبَ مَعَهُ إِلَى الْمَجْلِسِ، فَزَوَّجَهُمَا»؛ «یکی از یارانمان به نزد منصور آمد و گفت: من می‌خواهم با زنی ازدواج کنم و او اهل معرفت است، پس هر دو می‌خواهیم که تو عقدمان را بخوانی، فرمود: آیا هر دو من را وکیل می‌کنید در حالی که یک نفر هستم؟! گفت: آیا خوب نیست؟ فرمود: چرا، ولی بهتر است که دو نفر را وکیل کنید تا از دو طرف عقد را بخوانند، گفت: ما هر دو برکت عقد تو را می‌خواهیم، پس به همراه او به مجلس رفت و عقد آن دو را خواند».

آری، بسیاری از عالمان مسلمان می‌پندارند که خواندن عقد ازدواج، باید به زبان عربی باشد؛ به این ترتیب که مثلاً زن به مرد بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي [عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ]» و مرد به زن بگوید: «قَبِلْتُ» یا مرد به زن بگوید: «تَزَوَّجْتُكِ [عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ]» و زن به مرد بگوید: «قَبِلْتُ» یا وکیل زن به وکیل مرد بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكِّلَتِي فُلَانَةَ مُوَكِّلَكَ فُلَانًا [عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ]» و وکیل مرد به وکیل زن بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكِّلِي فُلَانٍ»، یا وکیل زن و مرد بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكِّلَتِي فُلَانَةَ مُوَكِّلِي فُلَانًا [عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ]»، ولی حق آن است که این کار در صورتی که زن و مرد عرب‌زبان نباشند،

---

۱. المائدة/ ۱
۲. النّساء/ ۲۱

واجب نیست؛ زیرا مقصود از صیغه در عقود، صرفاً تفاهم متعاقدین است که با هر زبان مفهومی حاصل می‌شود و زبان عربی جز در عباداتی مانند نماز موضوعیّت ندارد[۱].

اما «خطبه‌ی عقد» در ازدواج به معنای یاد کردن از خداوند و ستایش او و صلوات فرستادن بر پیامبر و یادآوری آیات و روایات معتبر رسیده درباره‌ی ازدواج و تبیین برکات و فواید آن پیش از جاری کردن عقد است که کاری مستحب محسوب می‌شود و عبارات خاصّی برای آن وجود ندارد. هر چند عبارات عامّی که با عنوان «خطبة الحاجة» از پیامبر برای آغاز هر خطبه‌ای رسیده، برای آن نیز مناسب است؛ به این صورت که پیش از جاری کردن عقد ازدواج بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾»[۲]؛ «هرآینه ستایش برای خداوند است، او را می‌ستاییم و از او یاری می‌خواهیم و از او آمرزش می‌طلبیم و از شرور نفس‌هایمان و بدی‌های اعمالمان به خداوند پناه می‌بریم، هر کس خداوند هدایتش کند گمراه‌کننده‌ای برایش نیست و هر کس او گمراهش کند هدایت کننده‌ای برایش نیست و گواهی می‌دهم که محمّد بنده و پیامبر اوست <ای کسانی که ایمان آوردید! از خداوند چنانکه سزاوار است بترسید و جز در حالی که مسلمان هستید نمیرید>[۳] <ای مردم! از پروردگارتان بترسید که شما را از یک تن بیافرید و از او همسرش را بیافرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری را پراکنده کرد و از خداوندی که با او درخواست می‌کنید و خویشاوندان پروا کنید، هرآینه خداوند بر شما ناظر است>[۴] <ای کسانی که ایمان آوردید! از خداوند بترسید و سخنی درست بگویید، تا اعمالتان را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد و هر کس از خداوند و پیامبرش اطاعت کند به رستگاری عظیمی دست یافته است>[۵]».

---

۱. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۳۶.

۲. مسند أبي داود الطيالسي، ص۴۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج۱۱، ص۱۶۲؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج۳، ص۴۴۳؛ مسند أحمد، ج۱، ص۴۳۲؛ مسند الدارمي، ج۲، ص۱۴۲؛ سنن أبي داود، ج۱، ص۴۷۰؛ سنن النسائي، ج۳، ص۱۰۵؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج۳، ص۲۱۴

۳. آل عمران/ ۱۰۲

۴. النّساء/ ۱

۵. الأحزاب/ ۷۰-۷۱

بنابراین، خواندن خطبه با این عبارات که از طرق متعدّد و معتبری رسیده[۱] مستحبّ است، ولی کسی که عقد ازدواج را جاری می‌کند می‌تواند پیش از آن با هر عبارات صحیح دیگری نیز خطبه بخواند؛ چنانکه به عنوان نمونه، از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی رسیده است که در عقد ازدواج یکی از یارانش چنین خطبه خواند:

بسم الله الرّحمن الرّحیم بهترین ستایش‌ها برای خداوندی که جز او شایسته‌ی پرستش نیست و بهترین درودها بر بنده و پیامبرش محمّد و خاندان پاکیزه‌اش و اما بعد، خداوند بلندمرتبه در کتاب خود فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾[۲]؛ «و از نشانه‌های او این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید تا به نزدشان آرامش یابید و میانتان مودّت و مهر قرار داد، بی‌گمان در این نشانه‌هایی برای گروهی است که تفکّر می‌کنند» و از بنده و پیامبرش محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم روایت شده است: «النِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ «ازدواج از سنّت من است، پس هر کس به سنّت من عمل نکند از من نیست» و این برای آن است که ازدواج به سلامت فرد و جامعه کمک می‌کند و برای بقاء نسل بشر و گسترش امّت اسلام ضروری است. بر این اساس، من شما را گواه می‌گیرم که موکّلم فلانی دختر فلانی را با فلان مقدار مهر به ازدواج موکّلم فلانی پسر فلانی درآوردم، در حالی که هر دو را به ترس از خداوند و پاسداشت حدود او و معاشرت به نیکی و گذشت از یکدیگر سفارش می‌کنم، باشد که خوشبخت شوند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها



۱. بنگرید به: خطبة الحاجة للألباني، ص۱۰.
۲. الرّوم/ ۲۱